

شہید احمد احمدی



از بشارت علی
سامانہ جامعہ سہارن و دوہڑا شہید استان بوشهر

نام پدر	علی
تاریخ تولد	۱۳۱۶/۰۷/۱۰
محل تولد	بوشهر - جم
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۷/۱۰
محل شهادت	خرمشهر
مسئولیت	رزمنده - تک تیرانداز
نوع عضویت	بسیج
شغل	کشاورز
تحصیلات	
مدفن	ریز

زندگینامه

شهید احمد احمدی در سال ۱۳۱۶ در خانواده ای فقیر و مستضعف ولی متدین و معتقد به اسلام در انارستان دیده به جهان گشود. بدلیل فقر و تنگدستی و نبودن مدرسه در آن محل نتوانست از نعمت سواد بهره مند شود. شهید احمدی اگر چنانچه بی سواد بود ولی خیلی پاک و نورانی و مبرا و روحیه ای بشاش داشت و بیشتر دوران زندگی خود را با چوپانی و کشاورزی سپری می کرد تا اینکه با تشکیل بسیج در سطح منطقه یکی از افرادی بود که در بسیج اسم نویسی نمود و در این مدت همه مسمومیتهای که به ایشان محول می شد بخوبی انجام می داد. شهید احمدی در تمام دورانی که در بسیج مشغول خدمت بود همه افرادی که با او نگرهانی می دادند از اخلاق ایشان رضایت کامل داشتند وی علاقه زیادی به جبهه داشت و بدنبال فرصت بود که بتواند عازم جبهه شود و در کنار دیگر لشکریان الله باشد و با سپاه کفر بعثی مبارزه کند. شهید احمدی پس از پنج بار موفق شد به جبهه برود و سالم برگردد ولی در مرتبه اخ در تاریخ ..؟ در جبهه ..؟ به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

غرض از این تحریر این نامه این است که حاضر گردید جناب احمد احمدی فرزند علی ساکن قریه ریز پس از اقرار بوجدانیت حضرت آفریده گار و گواهی برسالت پیغمبران بویژه ...؟!... حضرت خاتم انبیا محمد مصطفی و تصدیق به ولایت و امامت ائمه (!) اثنی عشر علیهم السلام و اعتقاد به حشر و نشر و مبداء و معاد و ثواب و عقاب و بهشت و دوزخ و انزال کتاب و جمیع اعتقادات حق به ایه (!) وافی هدایه و اذ (!) ج...؟!...؟!... الموت و بمصداق ایه شریفه کل نفس ذائقة الموت و متابعت حدیث شریف حضرت نبوی که من مات بغير وصیت مات ..؟!... جاهلیه ..؟!... علیهذا حاضر شد مشار الیه که هر گاه روحش لبیک حق را از منادی ارجعی الی ربک گفت وصی (!) بر حق خود قرار داد زوجه خود مشار الیه بنام خیری (!) النسا که کلیه دارائیم که اعم از باغ و نصف ..؟!... اثاث ال..؟!... هر چه است سپرده زوجه ام خیری باشد که تا پسرانم مکلف نشدند (!) چنانچه مادرشان ناراحتی دید باید حق خودش که هشت (!) یک و پانصد تومان مهر باشد بگیرد و کنار بنشیند تا راحت باشد و هر چه لیمو و نخل دارم که نصف آن مال ولدان مرحوم شهید حاجی حیدری می باشد و ایضا نصف ..؟!... پنج اصله نخل برای (!) خودم باشد که هر ساله ثمره آن را به ..؟!...؟!...؟!... بدهند برایم خرج شود و ما بقی هر چه دارم باغ و لیمو و نخل و نصف ..؟!... که بعد از مهر و هشت یک زوجه ام مال اولادم ..؟!... از پسران و دخترم می باشد که بمضمون ایه ..؟!...؟!... کر...؟!...؟!... الا...؟!...؟!...؟!... شود و هیچکس حق و حساب به بچه هایم (!) ندارد که بخواهد دخالتی کند در کارشان جز مادرشان و پوشید (!) نباشد که ۹۰۰ تومان بده کار علی ثمدی (!) حاجی ..؟!... که ثابت و اقرار داد (!) م چنانچه بیشتر ادعا کرد گردن بگیرد به او بپردازید ..؟!... بتاریخ ۵/۱۱/۱۳۵۹ بمضمون ورقه و مراتب (!) بالا قبول دارم و صحیح است و خلاف ندارد. احمد احمدی. اضافه میگردد چنانچه همسرم ..؟!...؟!... از خانه اش بیرون رفت وکیل فرزند ناممکن برادرم حسین احمدی می باشد چون ..؟!... فردا برابر با ۹/۸/۱۳۶۰ عازم جبهه های حق علیه باطل می باشم ممکن است شهادت نصیب من شود.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران